

جایگاه کرزی در تاریخ فردای وطن

مستندات از مصلحت گرایی، بی کفایتی و حیف و میل دارایی عامه، طی سیزده سال حکمروایی کرزی بحیث ریس جمهور.

قسمت اول (استاد صباح)



با بط می گفت ماهی در تنب و تاب
باشد که بجوی رفته باز آید آب؟
بط گفت من و تو چون شدیم کباب
دنیا پس مرگ ماچه دریا چه سراب

سالهاست که آب درجوی های ما نرفته است . ما به کره بی عدالتی ، جنگسالاری ، تفنگ کشی ، روزگذرانی ، مصلحت گرایی ، بی غم باشی و بازی های ناهمیده و ناسنجیده کرزی کباب شده ایم و باتداوم چنین یک حالتی در انتظار سراب باید باشیم. پس که چنین شد! آیا باز هم منتظر بود که دوران زمامداری کرزی و بی کفایتی و بی مسوولیتی ویرا تاریخ چه بنویسد؟ و ظالمانه نخواهد بود که اگر بگویم مورد عفو تاریخ قرار خواهد گرفت؟. تمام عملکرد کرزی به چند جاده و مکتب و اداره دولتی خلاصه میشود و گاهی از خود پرسیده ایم که چه مقدار پول خارجی به باد داده شده و چقدر متخصص داخلی و بیرونی عرق ریخته اندونزدیک به یکنم دهه سیری گردیده است؟. آیا در آخرین روزهای یایانی اداره کرزی در انتخابات چه گذشت و باز هم تفنگها از خانه ها و بیس خانه بیرون و تفنگداران شاخ و دم شورانی نمودند . کرزی که طی این مدت نتوانست یک مشت اوئباش تفنگدار و جنگ سالار را مهار نماید و راکت پرانی و مداخلات علنی پاکستان را متوقف نماید و حدودی پنجصد تارا جگرو مفسد که از این کرسی به آن کرسی کوچ کشی مینمایند و همه دار و ندار وطن را به یغما برده اند و اداره به قانون پذیری و وطن دوستی نماید ، آیا باز هم امیدوار بود که تاریخ نام کرزی را چگونه بنویسد؟؟؟.

آمریکا از سال دوهزار و دوتا دوهزار و دوازده حدود یکصد و چهار میلیارد دلار را در بخش های نظامی، حکومتداری خوب، توسعه اقتصادی و اجتماعی در افغانستان مصرف نموده است.

امامیلیون ها دالر حیف و میل شده از کمک های خارجی و سرمایه ملی در سال های گذشته و هزینه های روز افزون اجتماعی و سیاسی آن در کشور، جلوگیری از فساد اداری ، به یک بن بست واقعی گردیده که دورنمای توسعه، ثبات و دموکراسی در افغانستان را کاملاً به مخاطره انداخته است. فساد در تمامی ابعادش در کشور و سوء استفاده از امکانات دولتی برای مقاصد شخصی گرفته تا خرید و فروش پست های مهم سیاسی، فساد در پروژه های عام المنفعه مانند سرک سازی، دزدی از معاشات کارمندان دولتی، غضب زمینهای دولتی توسط مقامات بلند پایه دولتی و قوماندان سالاران، تبدیل شدن رشوت ستانی به یک امر معمول در ادارات، کم کاری و حیف و میل شدن میلیون ها دالر از سرمایه ملی روز به روز در حال افزایش

می باشد. به نظرمی رسد یک رابطه تنگاتنگ بین فساد و کمک های خارجی در افغانستان وجود دارد. این نه به دلیل نفس فسادزایی کمک های خارجی، بلکه ناشی از سوء مدیریت و فقدان یک مکانیسم شفاف اداری در افغانستان می باشد. تاریخ کمک های جهانی به کشور های جهان سوم نشان می دهد که به هر میزانی که سطح فساد در کشور کمک گیرنده بلند باشد به همان میزان موثریت کمک های خارجی کاهش می یابد. این نگرانی در افغانستان نیز به قوت خود باقی است. بانک جهانی در گزارشی در مورد اقتصاد افغانستان پس از دوهزار چهارده، مصرف ناعادلانه کمک های بین المللی در افغانستان را مورد انتقاد قرار داده است. مطابق به ارزیابی بانک جهانی، قسمت زیاد این کمک ها در مناطق ناامن به هدف ایجاد ثبات سرمایه گذاری شده است. هر چند شواهد نشان می دهد که مصرف میلیون ها دالر در مناطق ناامن نه تنها در کاهش خشونت کمک نکرده است بلکه هرازگاهی تبدیل به یک عنصر اصلی افزایش خشونت شده است.

یکی از پیامدهای تخصیص ناعادلانه این کمک ها افزایش شکاف های اقتصادی بین مناطق مختلف بوده است. بعضی مناطق با استفاده از این کمک ها از فرصت های بهتر برای سرمایه گذاری، رشد و توسعه برخوردار بوده اند و بعضی مناطق دیگر از این فرصت ها کاملاً محروم مانده اند. اگر این روند ادامه یابد، افزایش شکاف های اقتصادی که منجر به نابرابری های اجتماعی می شود، موثریت کمک های خارجی را کاهش داده و تبدیل به یک عنصر ضد توسعه خواهد شد. بنابراین انتظاری می رود که این بار دولت با سیاست های درست اقتصادی در مصرف عادلانه این کمک ها در کشور اقدام نماید، در غیر آن میزان موثریت این کمک ها کاهش خواهد یافت.

رئیس جمهور احمدزی بخاطر قاطعیت در امر مبارزه با فساد اداری، فرمان بررسی مجدد دوسیه ی کابل بانک را صادر کرد. که این نشان دهنده قاطعیت حکومت در امر مبارزه با فساد اداری است. سوال اینجاست که چه چیز باعث شد در سیزده سال گذشته با وجود کمک های وسیع جامعه جهانی، هنوز هم بیشتر بخش های کشور بخاطر کمبود بودجه با مشکلات زیادی مواجه باشد؟ در جریان سیزده سال گذشته بیش از ۱۰۰ میلیارد دالر به شکل بلاعوض از سوی جامعه جهانی به دولت افغانستان کمک شد، اما بیشتر کمکهای جامعه جهانی در افغانستان توسط گروههای مافیایی، مقامات دولتی و نبود یک نهاد هم آهنگ کننده و نظارت کننده باصلاحیت؛ حیف و میل شود.

وابستگی افغانستان به کمک های خارجی بعد از سال ۱۳۸۱ و بعد از سقوط حکومت طالبان، افغانستان را به یکی از کشورهای بزرگ دریافت کننده کمک های جامعه جهانی مبدل ساخت، اما با وجود کمک های گسترده هنوز هم مشکلات زیادی در بخش های مختلف کشور وجود دارد.

علی احمد جلالی وزیر قبلی داخله میگوید- ... سرمایه گذاری ناکافی بالای دستگاه حکومت، تکتیک سیاسی بدون استراتژی و پلان مشخص ایجاد ادارات موازی با حکومت و مداخله کشورهای منطقه را به عنوان مشکلات عمده نام برد. مشکلات بزرگ است، امکانات کم است. با امکانات کم باید کارهای بزرگ انجام داد. مشکلات افغانستان در آینده ایجاب این را می کند که حد اکثر از تمام ظرفیت های استفاده کند از ظرفیت های که در افغانستان موجود است صرف به اساس منافع گروهی، شخصی و تنظیمی استفاده نشود.

مشروعیت ساختاری هر دولت بالای دو نکته استوار است. یکی امنیت است که دولت باید مسوولیت تحفظ سر، مال و ناموس مردم نماید و دوم عدالت است که از طریق حاکمیت قانون باید تامین شود. دولت وقتی موفق خواهد شد که بالای وطن اش کنترل داشته باشد، در صورتی که کنترل نداشته باشد عدالت و امنیت را تامین کرده نخواهد توانست. در سال ۲۰۰۲ رئیس جمهور آمریکا برای بازسازی افغانستان «مارشال پلان» را ارائه کرد، همان پلانی که آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم در ۱۳ کشور اروپای غربی و شرقی تطبیق نمود و اروپا را از خاک بالا نمود. پولی که آن روز آمریکا در اروپا خرج کرد ۱۳ میلیارد دالر بود که به حساب امروز تقریباً ۱۰۳ میلیارد دالر می شود اما چون شرایط اروپا با افغانستان فرق می کرد تمام اروپا ساخته شد. تمامه جولای تابستان گذشته مقدار پولی که توسط خارجی ها به افغانستان کمک شده بود ۱۰۴ میلیارد دالر اعلام شده بود که تا پایان سال ۲۰۱۴ این مبلغ به ۱۰۹ میلیارد دالر می رسد. بیشتر پول تزیق شده صرف معاشات شد و در بخش دولت سازی هزینه درستی نشد. تاکتیک بدون استراتژی دومین عامل ناکامی در استفاده از امکانات گذشته بود؛ مصرف می کردیم ولی نتیجه نمی داد.

برعلاوه، فساد گسترده اداری در انجوها و گردانندگان آنها، هیچگونه تعهدی به افغانستان نداشته و الزامی به شفافیت و سلامت پروژه ها و مصرف پول ها در خود احساس نمی کند. هر چند دولت افغانستان در لیست فاسد ترین کشورهای جهان قرار داشته و تمامی اتهامات در مورد فساد بر بوروکراسی به دولت وارد است، اما حقیقت این است که در انجوها و موسسات

فعال بیش از بیوروکراسی دولت فساد وجود داشته و کمک های جامعه جهانی غرق گرداب های فساد در این ادارات می شود. آنچه که کشور را در رده فاسدترین کشور جهان قرار داده است، علاوه بر ادارات دولتی، انجوها و سازمان های است که خود سرانه وبدون هیچ حساب دهی مصروف فعالیت هستند.

این عدم نظارت بر عملکرد انجوها باعث شده است که مقدار زیادی از پول های که به نام مردم در کشور وارد شده است دوباره از کشور خارج شده و در حساب تعداد محدود از مافیای که در افغانستان آمده اند بریزند. اکنون هیچکدام از دولت افغانستان و جامعه جهانی نه قدر به حساب گیری مجدد از امورات آنها نمی باشند و نه هم دست رسی به محاکمه و ستاندن پول های که به غارت رفته از آنها می باشند.

بازرس امریکایی در گزارش تازه ای گفته است که در دوازده سال گذشته ایالات متحده امریکا نود و سه میلیارد دلار را در بخش بازسازی در افغانستان مصرف کرده است. حتی هزاران دلار از این پول ها به جیب طالبان رفته است. پیش از این نیز این بازرس امریکایی در گزارش به کنگره این کشور از حیث و میل میلیارد ها دلار امریکایی در افغانستان سخن گفته بود. جان سپوک تفتیش ویژه امریکا ادعا کرده است که وزارت امور داخله افغانستان ۲۰۰ میلیون دلار را از صندوق وجهی تطبیق قانون اداره ای انکشافی ملل متحد از ده سال قبل به این سو حیث و میل کرده است. این وزارت به کارمندی که در دولت کار نمی کردند نیز پول و معاش پرداخته است.

بر اساس اظهارات تفتیش عمومی وزارت دفاع امریکا یا پنتاگون برخی از اتهامات وجود دارد که وزارت امور داخله افغانستان در سال ۲۰۱۳ از سرنوشت مصرف ۱۷ میلیون دلار که برای حقوق متقاعدین و ۱۰ میلیون دلار دیگر که برای دستمزدها تخصیص داده شده بود گزارش دقیقی ارائه نکرده است.

همچنان فساد و چپاول در نیروهای خارجی و حضور ناصداقانه این نیرو و هاجز افزایش خشونت و کشتار غیر نظامیان و نیز غارت و چپاول بودجه اختصاص یافته برای بازسازی کشور چیزی بهمراه نداشته است. در عین حال کاهش بودجه حضور نظامی امریکا در افغانستان باعث شده تا برنامه سازان پنتاگون ناچار شوند تا در سال دوهزار و سیزده میلادی دایره عملیات نظامی امریکا را محدود نمایند. طبق گزارش ها در حالی که بودجه در نظر گرفته شده برای جنگ در افغانستان در سال دوهزار و دوازده میلادی حدود یکصد و هجده میلیارد دلار بوده است اما در سال دوهزار و سیزده میلادی این بودجه به حدود هشتاد و نهم میلیارد دلار کاهش خواهد یافت و این بدان مفهوم است که امریکا در عین کاهش شمار نظامیان خود ناچار است که عملیات نظامیان خود را محدود به انجام ماموریت های آموزشی کند. هر چند در استراتژی امریکا در جنگ افغانستان که سال دوهزار و یازده توسط باراک اوباما منتشر شده بود، دولت امریکا اعلام کرد قصد دارد به تدریج نیروهای خود را از این کشور خارج کند و مسئولیت های امنیتی را به نیروهای نظامی داخلی واگذار کند. اما با وجود طرح های مطرح شده برای تغییر استراتژی امریکا در افغانستان گمان میرود و اشننگتن سعی دارد حضور خود در افغانستان را با توجه به انعقاد پیمان استراتژیک امریکا و افغانستان به صورتی دیگر تداوم بخشد.

یک پایگاه برای نظامیان داخلی در ولایت قندوز (با مصرف هفتاد میلیون دلار) و سه پایگاه نظامی در ولایت ننگرهار در شرق افغانستان از سوی امریکا که حداقل چهارصد میلیون دلار در پروژه های زیربنایی در سال مالی دوهزار و یازده به دلیل ضعف در پلان سازی، هماهنگی و اجرا در افغانستان حیث و میل شده است. امریکا از سال دوهزار و یک تاکنون بیش از نود میلیارد دلار برای بازسازی افغانستان اختصاص داده است.

در اگست دوهزار و دوازده میلادی اداره مشترک شفافیت که متشکل از نیروهای نظامی ده کشور از جمله امریکا و انگلیس است و در هماهنگی با دولت برای باصلاح کاهش فساد، کار می کند اعلام کرد که ده ها اتباع خارجی را ظرف دو سال گذشته در افغانستان، در ارتباط با فساد و سوء استفاده از منابع مالی مورد پیگرد قرار داده است. امامقامات کشور بارها بر این نکته تاکید کرده اند که در فساد مالی و اداری در افغانستان، نهادهای خارجی و غیردولتی سهم بزرگی دارند. به نظر می رسد که تداوم حضور نظامی امریکا و متحدین آن در افغانستان جز افزایش خشونت و کشتار غیر نظامیان و نیز غارت و چپاول بودجه اختصاص یافته برای بازسازی افغانستان چیزی بهمراه نداشته است. نکته قابل توجه اینکه این فساد مالی آنچنان آشکار است که حتی جان سوپوکو تفتیش امریکایی نیز ناچار به اعلام آن شده است.

متأسفانه بر علاوه چپاولگری های تفنگداران تنظیمی در دولت و دوتابعیتی ها در کشور نیز فساد می کنند و بعد به خارج و وطن دوم شان برمی گردند و کسی قدر به برگرداند آنها نیست. فساد چه در نهادهای دولتی و چه در موسسات خارجی یک

امروشن وانکارناپذیر به حساب می آید و طی ده سال گذشته هرکدام به اندازه ظرفیت خودشان پول های مردم افغانستان را حیف و میل کردند و عدم هماهنگی در اختصاص کمکها و نبود یک استراتژی در چگونگی مصرف آن و فقدان یک میکانیسم شفاف نظارتی، به موسسات خارجی و برخی از نهادهای داخلی فرصت داد تا از این پول ها یا در خریداری اشیا و لوازم لوکس استفاده کنند و یا دوباره به خارج انتقال دهند. به این خاطر نفع و سود این کمک ها بیشتر به جیب اشخاص و افرادی رفت که یا با موسسات خارجی ارتباط نزدیک داشته اند و یا از مقامات بلند پایه دولتی بوده اند. در یک محاسبه تقریبی از حدود هشتاد درصد کمک های بین المللی در سالیان گذشته، بیشتر هشت درصد از کسانی سود برده اند که یا با خارجی ها رابطه داشته اند و یا جزو مقامات دولتی بوده اند و یا هم از اعضای ارشد باندهای مافیایی و مخالفان مسلح دولت به شمار می آمده اند.

خانه های مجلل که با مصارف هنگفت اعمار شده اند، نشانه واضح از فساد اداری در افغانستان می باشد. طبق گزارش ها، افغانستان، یکی از کشورهای جهان است که فساد اداری به بدترین شکل آن به طور گسترده وجود دارد. مقدار زیاد تمویل اعمار این خانه ها از دالره های خارجی است که به کشور سرزیر شده است و قسمت دیگر آن، از طریق مواد مخدر به دست می آید. ساختن این خانه ها محدود به شهر کابل نیست، در بسیاری از شهرهای کشور به صورت مشابه خانه های مجلل اعمار شده است. دیزان این خانه های مجلل از پاکستان وارد شده است که متاثر از دیزان های عربها و سایرین می باشد. این در حالیکه خانه عرفی افغانستان از خشت خام و گل اعمار می شود. سازمان ملل متحد می گوید، یک سوم حصه نفوس افغانستان در فقر مطلق زندگی می کنند. دیوار های گلی و نداشتن آب در بسیاری قسمت های افغانستان، معمول است. تا چند سال گذشته خانه های ابتدایی شیرپور توسط جنگ سالاران تاراج و بولدوز و زیران شده، و زمین آن به مقامات عالی رتبه حکومتی توزیع گردید.

فساد اداری اکنون به آفت بزرگی میماند که در تاریخ کشور هیچ زمانی به این حد بالا نبوده است و در سال های اخیر این پدیده شوم و خانمانسوز، تمام ادارات دولتی از قصر ریاست جمهوری تا یک علاقه داری دوردست و تانائو و آیساف و سفارتخانه ها و انجوها را آلوده ساخته است. اعتماد مردم از همه سلب شده است و به هیچ شخصی نمیتوان اطمینان کرد، برای پیشبرد اندک ترین کار اداری یا حقوقی باید ده ها هزار و صد ها هزار افغانی باید رشوت پرداخت.

کرزی و افساد اداری و رشوت ستانی



اغلب تعاریف ارائه شده درباره فساد دستگاههای دولتی را می توان رشوت و سوءاستفاده از موقعیت های وظیفوی، برای نفع شخصی دانست. پیامدهای فساد اداری نیز به شکل معضلات و ناهنجاری هایی همچون، سوءاستفاده از موقعیتهای وظیفوی، رشوت ستانی و اختلاس، قوم پرستی، پارتی بازی، بی عدالتی، تنظیم خواهی، محل پرستی، هرج و مرج، ایجاد نارضایتی در جامعه، سرقت و اختلاس اموال و داراییهای عامه. عوامل و زمینه های گوناگونی وجود دارند که سبب پیدایش و گسترش و ترویج فساد اداری به صورت بالقوه و بالفعل می شود. بر مبنای این عوامل و زمینه ها می توان راههایی را جستجو کرد که اثر بیشتری در کاهش و حذف این پدیده شوم در جامعه شود.

فساد پولی و اداری در لغت به معنی تباه شدن، نابود شدن، از بین رفتن، فتنه، آشوب، زیان، کینه، ظلم، شرارت، بیماری است. فساد در ادبیات لاتین به معنای شکستن است در حقیقت با تحقق فساد، چیزی می شکند یا نقض می شود.

فساد مالي و اداري که بانک جهاني تعريف کرده است، سوء استفاده از قدرت و امکان رسيدن براي تامين منافع شخصي فرد، حزب، طرز تفکر خاص طبقه خاص و... گفته مي شود.

ساموئل هانتینگتون مي گويد فساد اداري، رفتار آن دسته از کارکنان بخش دولتي اطلاق مي شود که براي منافع خصوصي خود، ضوابط پذيرفته شده را زيرپا مي گذارند. تعريف ديگري نيز وجود دارد و آن عبارت است از فساد اداري به مجموعه رفتارهاي آن دسته از کارکنان بخش عمومي اطلاق مي شود که در جهت منافع، ضوابط و عرف پذيرفته شده را نادیده مي گيرند.

ويتوتانزي هم فساد مالي و اداري را اينگونه تعريف مي کند، فساد اداري به معني عدم رعايت اصل فاصله از سوي مقامات دولتي به منظور کسب امتياز براي خود يا افراد وابسته مي باشد.

جيمز اسکات نيز فساد اداري را به مجموعه رفتاري اطلاق مي کند که ضمن آن فرد به دليل تحقق منافع خصوصي خود و دست يابي به رفاه بيشتري با موقعيت بهتر، خارج از چهار چوب رسمي وظيفه يك نقش دولتي عملي مي کند. فساد اداري در فرهنگهاي مختلف برخورد هاي متفاوتي صورت مي گيرد. مثلاً آنچه در يك کشور آسيابي روال نورمال کار اداري پنداشته شود، در يك کشور اروپايي و يا امريکايي شمالي در نزد اکثريت مردم فساد اداري شناخته مي شود. يك تعريف که در سطح بين المللي براي فساد اداري از اعتبار برخوردار باشد وجود ندارد. سازمان غير دولتي شفافيت بين المللي، در اين زمينه تعريفی دارد که وسيعاً مورد قبول قرار دارد. ناديا بالگوبين عضو هيئت عامل اين موسسه در سويس مي گويد: فساد اداري عبارت است از سوء استفاده از قدرت محوله براي منافع شخصي. طبعاً فساد اداري مي تواند اشکال مختلفی به خود بگيرد. هرگاه ما ليستي تهيه کنيم، اين فساد از اختلاس تا تقلب و تا خويشخواري و همينطور اشکال ديگري را در برمي گيرد.

فساد در کشور ما دوشادوش دستگاه هاي دولتي به پيش رفته است، تاثير جنگهاي خانمانسوز و گماشتن انسانهاي بي بندوبار و استفاده جومخصوصاً در سالهاي چور و چپاول کشور و وسيله افراد تنظيمي و بيسواد باعث شد تا اين پديده شوم دولت و جامعه جهاني رابه تهديد مواجه سازد. بدون شك وارد کردن ضربات کوبنده و پيهم فساد و اختلاس بر سياستهاي دولت، باعث از بين رفتن منافع ملي گرديده و حاکميت رابه نابودي و گمراهي تهديد مينمايد. اخيراً در يك گزارش دستگاه استخباراتي ايالات متحده امريکا يکي از عوامل پايين آمدن مشروعيت حکومت کرزي، فساد اداري خوانده شده است که سرپايي دستگاه حکومت را فرا گرفته است. همين فساد است که موجب مي شود طالبان و ساير مخالفين بدون مشکلات بزرگ ساحه نفوذ شان را توسعه بدهند. فساد اداري چيزي نيست که کشوري بکلي از آن فارغ باشد، اما درجه آن از کشوري تا کشور ديگر متفاوت مي باشد و اشکال ظهور آن از همدیگر فرق مي داشته باشند. از آنجاييکه معمولاً از فساد اداري ضعيف ترين اقصاء اجتماعي متضرر مي گردند و نقش جامعه مدني فعال در جلوگیری از فساد اداري برجسته است. در يك تحقيق که موسسه انتيگريتي و اچ انجام داده است، پنجاه و پنج درصد کساني که مورد سوال قرار گرفته اند، گفته اند که فساد اداري نظام اخلاقي جامعه را تخریب کرده است، پنجاه و هفت درصد بر اين نظر اند که مشروعيت و موثريت دستگاه دولتي را از میان برده است و شصت و پنج درصد مي گویند که همين فساد اداري مستقیماً بوضع امنيتي آنها اثر مي گذارد.

بسياري معتقد اند که معاش و حقوق اندک ماموران دولتي موجب شيوع فساد اداري مي باشد. سه شکل مهم فساد اداري که در افغانستان بسيار برجسته مي باشند عبارت اند رشوت خواري، مشکل تراشي در اجرائي کارهاي مراجعان و عارضان و خويشخواري. مصلحت گرایی و روزگذراني کرزي، ضعف دستگاه اداري دولت، نبودن مجازات و تعزيرات عليه فسادپيشگان در دستگاه دولتي و حاکميت فرهنگ معافيت از بازخواست، موجب گسترش اين بيماري شده است. بيشتريين کسان، يعني چهل و پنج درصد کساني که مورد سوال قرار گرفته اند، فاسد ترين دستگاه را در دولت افغانستان، دستگاه قضايي خوانده اند، پس از آن در طبقه دوم بخش امنيتي مي باشد که بيست درصد بدان اشاره کرده اند، در درجه سوم گمرکها است که انزده درصد از آن نام برده اند و بلاخره در مرحله چهارم شهرداريها يا شارواليتها، فاسد ترين نهاد ها شناخته مي شوند که بيژده درصد بدان اعتراف کرده اند. بي جهت نيست که با تمرکز فساد در دستگاه قضايي و امنيت کشور، بيعدالتيها و ناامنيتها روز تا روز افزايش مي يابند و کار بدانجا مي رسد که حاميان خارجي دولت افغانستان نيز از سقوط و تنزل مشروعيت دولت مورد حمايت شان سخن به میان آورند.

چنین بود که احمدزی درنخستین سخنرانی خود به عنوان رئیس جمهوری جدید در مورد صلح در افغانستان صحبت کرد و گفت که صلحی که با عدالت توأم نباشد ناپایدار است و برای رسیدن به عدالت باید دستگاه قضایی اصلاح شود. اوبه مردم وعده سپرد که از تمام صلاحیت‌های خود برای اصلاح نظام قضایی استفاده خواهد کرد و برای انجام اصلاحات در دادگاه عالی کمیته با صلاحیتی ایجاد خواهد کرد. دادگاه عالی باید در مدت یک ماه، تمام دادگاه‌ها و قضات را بر اساس اصل مکافات و مجازات ارزیابی کند.

رئیس موسسه غیردولتی سنلس اعلام کرد، به علت سیاست‌های اشتباه انگلیس و آمریکا در افغانستان اکنون نیمی از کشور توسط نیروهای طالبان اداره می‌شود. اکنون نیروهای طالبان در ولایت‌های قندهار، هلمند و ننگرهار از قدرت لازم برخوردارند و هر روز نیز قلمرو این نیروها گسترش بیشتری می‌یابد. سیاست مبارزه با مواد مخدر آمریکا و انگلیس در افغانستان موجب شده است تا مردم این کشور با فقر شدید اقتصادی روبه‌رو شوند و طرح‌های بازسازی نیز در کشور به صورت درست تطبیق نشود و فساد نیز رشد نماید. سیاست‌های غلط آمریکا در افغانستان همچنین باعث شده است که کشور هم‌اکنون به لانه‌ی مخوف برای تروریست‌ها تبدیل شود. آمریکا از سال ۲۰۰۱ میلادی تاکنون ۵/۸۲ میلیارد دلار در افغانستان هزینه کرده که هفت میلیون دلار آن برای اجرای طرح‌های بازسازی به مصرف رسیده است. در کمیسیون مبارزه با فساد اداری که ریاست آن به عهده رئیس ستره محکمه و عضویت وزیر عدلیه، لوی ثارنوال، نمایندگان پارلمان و همچنین نماینده‌ی از وزارت مالیه عضویت دارند. این کمیسیون از صلاحیت بالایی برخوردار بوده و قرار است عاملین فساد اداری را تا بالاترین سطوح قدرت تحت تعقیب و بازپرسی و مجازات قرار دهد (چیز که امکان ندارد). کمیسیون مبارزه با فساد اداری در حالی شکل می‌گیرد که قبل از آن نهاد‌های دیگری به این منظور تشکیل یافته بود. علاوه بر این کمیسیون‌ها، در قالب تشکیلات هر وزارتخانه، اداره کنترل و تفتیش که وظیفه آنها نظارت بر عملکرد مأمورین و حسن اجرای قانون است، نیز وجود دارد. اما با وجود تمام این نهاد‌های گوناگون حکومت نه تنها قادر به مهار فساد در ادارات نشده است بلکه همین نهاد‌ها خود تبدیل به معضل پیچیده دیگری شده‌اند.

سوالی که هم‌اکنون در ذهن مردم وجود دارد این است که کمیسیون مبارزه با فساد اداری، میزان فساد در ادارات را افزایش نخواهد داد؟ یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در ادارات تداخل و ظایف میان ادارات و وزارت خانه‌ها است که نه تنها سبب کندی کار بلکه باعث هدر رفتن انرژی و توان قوای انسانی وزارت خانه‌ها و ادارات در منازعات بی‌خود شده است. چه ارتباط میان اصلاحات اداری، ریاست مبارزه با فساد اداری، اداره‌های کنترل و تفتیش با کمیسیون مبارزه با فساد اداری است. بدون شک فساد اداری تنها در گرفتن رشوت خلاصه نمی‌شود. اگر کارمندی، مأموری و مسئول عالی رتبه‌ای به هرنحوی خود را از قانون فراتر تلقی کند و قانون را برای دیگران بخواهد، جزء فساد اداری است عدم آگاهی کامل از قانون، برخورد سلیقه‌ی و مالکیتی باوزارت خانه‌ها و ادارات دولتی، خرید و فروش مقامات حکومتی از مظاهر بارز فساد اداری می‌باشد. در این تردیدی نیست که برای سامان بخشیدن به وضعیت آشفته کشور نیاز به افراد متخصص و نخبه است اما این نکته را هم نباید فراموش کرد که برای خیلی‌ها افغانستان به حیث تفریحگاه و وطن سومی آنها محسوب می‌شود. کسانی که حتی حاضر به باطل کردن مدرک اقامتی خود در قبال داشتن یک پست حساس و کلیدی در این کشور نیستند، چگونه انتظار کار دلسوزانه و متعهدانه از آنها داشته باشیم؟

از جانب دیگر تعدادی دیگری که در کرسی‌های قدرت لمیده‌اند سالیان درازی از چوروچپاول، از دزدی و راه‌گیری، از زورگویی و بی‌بندوباری، از کشتن و بستن و بردن، از بی‌قانونی و بیخپل سربازان و وحشت ثروت انداخته‌اند، پس به چنین کمیسیون‌هایی اعتناء خواهند کرد؟ پس راه مبارزه با فساد اداری در ایجاد کمیسیون‌های رنگارنگ و مختلف نیست بلکه دریافتن ریشه‌های فساد و خشکانیدن آن، تعریف و ظایف این نهاد‌ها و داشتن یک اراده صادق می‌باشد. مثال زنده و برجسته آن بگربوزن چندی قبل بین رئیس لوی ثارنوالی و صدیق چکری، فرار رئیس بانک باپشتاره‌های دالربه امریکابود. یکی از عمده‌ترین مشکلات نظام اداری فساد اداری و به خصوص فساد گسترده در این چند سال اخیر است. این فساد آنچنان در تاروپود کشور ریشه کرده است که به باور بسیاری از تحلیلگران ساده لوحی خواهد بود اگر از این دستگاه انتظار داشت که به احقاق حق و ابطال باطل و یا اجرای عدالت و قانونیت بپردازد.

پس از فروپاشی حکومت طالبان و روی کار آمدن دولت کرزی رسانه‌های صوتی و تصویری متعددی در پرتو آزادی بیان و دموکراسی توسط اشخاص و گروه‌های مختلف پا به عرصه وجود گذاشته و به فعالیت آغاز نمودند. اما از آوان تأسیس

این رسانه‌ها دیده شد که بر خلاف قانون اساسی کشور و با بهانه قرار دادن آزادی بیان و دموکراسی به پخش برنامه‌هایی پرداختند که با فرهنگ، آداب و رسوم مردم منافات داشت. این روند زمانی جلوه آشکارتری به خود گرفت که از سوی مسئولین دولتی هیچ گونه عکس‌العملی برای جلوگیری از آن دیده نشد و امروز ما شاهد آن هستیم که محتوای برنامه‌های تلویزیون‌ها و رادیوهای فعال در کشور نه تنها در راستای ترویج و غنی‌مندی فرهنگ ملی نیست که سعی در کم رنگ کردن آن نیز دارند. پس از روی کار آمدن دولت کرزی، رسانه‌های تصویری، صوتی و چاپی به سرعت رشد کرد که مردم از این بابت بسیار خشنود بودند اما با گذشت مدت زمان کوتاهی این خوشحالی به یاس، ناامیدی و اعتراض تبدیل شد که دلیل عمده آن پخش برنامه‌های مبتذل و فاسد از سوی تلویزیون‌ها و رادیوهاست. این رسانه‌ها باید برای از بین بردن پدیده‌های منفی اجتماعی اقدام مینمودند که ندادند.

یکی از جایزاده‌های زابلی در ولایت هرات تحت اختیار اسماعیل، وزیر انرژی و آب قرار دارد. اداره مبارزه با فساد می‌گوید- اگر موضوع کلی جایزاده‌های غصب شده را مطرح کنیم، اسماعیل نیز در این قضیه دخیل می‌باشد. مدتی قبل، عزیزالله لودین اتهاماتی را علیه اسماعیل وزیر انرژی و آب در خصوص غصب زمین‌های دولتی در هرات که به گفته وی ارزش آن به بیش از صد میلیون دالر می‌رسد.

آنچه وضعیت عمومی جامعه سیاسی و اجتماعی را در ساحه مخوف و سوزنده تحت شعاع خویش قرار داده و میدهد یکی فساد اداری و دیگر بروکراسی است. رشوه‌ستانی بسیار پیشرفته در دولت و سایر تعارفات اجباری از یکسو، بقدرت رسیدن و سهیم ساختن افراد غیرمسلمی و غیر علمی در دستگاه دولتی از جانب دیگر، در امر انحراف دادن اصولیت، رکود و کارشکنی‌ها زمینه‌سازی خوبی در امر گسترش و بروز فساد اداری بشمار میرود.

اگر فضای ادارات دولتی از وجود عناصر فاسد، بنیادگرا، خاین و استفاده‌جو پاک گردد، اگر دولت فعلی از عملکردهای سازشکارانه با بنیادگرایان جاه طلب و کور دست بکشد و اگر ظرفیت‌ها مطابق قابلیت افراد و اشخاص با فهم، صادق و متعهد به آرمانهای ملی افغانی و نیز معیارهای شایسته‌سالاری در نظر گرفته شود، به یقین که مشکلات از سر راه برطرف خواهد شد. هنوز دیر نشده است که مسئولین امور به سوی قانون‌مداری و تطبیق اصول و قوانینی که تامین‌کننده منافع عالیای ملت ماست گام‌های صادقانه، دلسوزانه و مسئولانه بردارند تا باشد تطبیق قوانین عدلی، قضایی و سایر لوايح و مقررات تحت شعاع و انضباط و مسئولیت‌پذیری در جامعه به گونه‌یک فرهنگ اداری محل تطبیق خویش را دریابد و دوايردولتی از لوٹ عناصر بنیادگر، استفاده‌جو و بیسواد که با نیش و نوش از پوست و استخوان مردم ما به اعتبار مردم افغانستان استفاده می‌نمایند و یا بنیاد اجتماعی نوپای مردم را که سده‌ها عذاب کشیده‌اند با فرایند و بازتاب فساد اداری هستی ملت ما را به یغما می‌برند روی معیارهای حسابگرانه به چنگال قوانین عدلی و قضایی مجبور به تصفیه حساب گردند. و دور نیست که مردم ما با مشت کوبنده قانون و علاقمندی به حفظ دارایی‌های عامه و بیت‌المال اکثر کسانی را که با سوء استفاده از قدرت مرتکب چنان خیانتی گردیده‌اند مورد بازخواست و سرزنش قرار بدهند، زیرا در امتداد زمان، تاریخ آینه تمام‌نمای افعال و اعمال مردم است.

حسابدهی از نظر عام بازپرسی، بررسی و ارزیابی میزان پیشرفت امور محوله حکومت است. در نظام‌های غیر دیموکراتیک، سیستم حسابدهی به اراکین دولت متعلق بوده که نقش مردم در کشور‌های مانند افغانستان در این پروسه ناچیز پنداشته می‌شود، در حالیکه در نظام‌های دیموکراتیک، این سیستم حسابدهی بصورت واقعی وجود دارد. مردم نقش عمده در تمام وجوه‌ها و مراحل مصرف و میزان درآمدها دارند، زیرا دارایی به تمام مردم تعلق دارد نه به یک مشت بینام و بی‌نشان، بنیادگرا، متعصب، خاین و چپاولگر که بر مسند قدرت تکیه زده‌اند. آیا دولت حاکم که با مشارکت گروه‌های جهادی که دست‌شان به خون هزاران افغان مظلوم رنگین است، قادر به ارایه حسابدهی شفاف برای مردم افغانستان است؟ چند پروژه عمرانی ازین و چو در دست اجرا قرار گرفته است؟ آیا دارایی‌های اعضای حکومت و رهبران جهادی تحت کنترل است و از ایشان در مورد سرمایه‌های باد آورده‌شان سوال شده می‌تواند؟ پس بدون شک و با قاطعیت تمام این چور و چپاول، این غارت و نیرنگ و این خیانت را نتیجه عملکرد بنیادگرایان از خود راضی دانست. تجارت دارایی‌های عامه بمنظور اهداف و مقاصد شوم شخصی، حیف و میل سرمایه‌های ملی، قاچاق مواد مخدر بوسیله اشخاص درجه یک سهیم در دولت. بطور مثال کشف کارخانه تولید مواد مخدر در بدخشان، زرع و کشت کوکنار در صفحات جنوب و درمریوطات کابل- پغمان، تصرف ملکیت‌های شخصی توسط تفنگداران جنک سالار، این سردمداران بزرگ اسلام که همیشه سنگ

دین و ناموس به سینه می کوبند و فقط با استفاده از نام اسلام و بنیادگرایی تحت پرچم جهاد و مبارزه مرتکب همچو فجایع ، جنایت و خیانت گردیده اند ، آیا رسوایی دیگری از عملکرد این مبارزین همیشه حاضر در چپاول ، غارت و قتل نمیتواند باشد؟ این اصل را کی ها پاسخگو و کی ها حساسه هستند؟

عوامل تمامی قتل ها، دزدی ها، اختطاف ها، ترورها، و ناامنی های عمومی کشور قبل از اشخاص مجرم و جنایت کار، خود دولت است! چرا که دولت ها برای تامین امنیت عمومی مردم و حافظت حدود و سرحدات کشور مسوول می باشند . هرگاه دولتی از عهده یکی از این وظایف خویش نتواند برآید، دولت داری مشروعیت آن زیر سوال می رود و مسوولان آن نظام باید با موکلان خود مشوره نمایند، در صورتی که آنها توانایی انجام وظایف محوله خود را در جهت تامین احتیاجات و نیازمندی های مردم آن نداشته باشند باید از وظیفه خویش کنار کشیده و جای آن به کس دیگری که از عهده امور بتواند برآید سپرده شود. در غیر آن صورت ادامه کار آن دولت و مسوولان آن خیانت بوده و بر موکلان و مردمی که او را انتخاب کرده اند می باشد، تا دولت و نیز مسوولان او را از مسند قدرت عزل و بر طرف نمایند.

حامد کرزی، رییس جمهوری پیشین، طی حکم شماره ۲۱۲۴، تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۱ و به تاسی از مصوبه شماره ۴، تاریخ ۱۳۹۳/۱/۲۵ شورای وزیران گفته است: «رییس دفتر ریاست جمهوری، رییس اداره امور، دستیار خاص رییس جمهوری پیشین، اعضای شورای وزیران، لوی ثارنوالی، رییس عمومی امنیت ملی، مشاور امنیت ملی، مشاوران ارشد و وزیران مشاور از حقوق و امتیازات پس از پایان ماموریت شان برخوردار هستند.

بر اساس این حکم سه ماده ای، مقام های ارشد دوره نخست و دوم ریاست جمهوری حامد کرزی، از حقوق و امتیازات ذیل مستفید می شوند: تامین امنیت با در نظر داشت اوضاع و احوال مربوط، حداکثر الی چهار محافظ و تامین خدمات صحی رایگان در شفاخانه های دولتی. همچنین در صورت نداشتن موثر شخصی، توزیع یک عراده واسطه نقلیه مناسب (زرهی) با در نظر داشت موقف و سطح تهدیدات امنیتی، استفاده از پاسپورت سیاسی و استفاده از مساعدت های مالی با در نظر داشت قانون تنظیم معاش مقام های عالی رتبه دولتی و مصوبه شماره ۳۲، تاریخ ۱۳۹۱/۸/۱۵ شورای وزیران برای مدت پنج سال . با آن که در این حکم در مورد مساعدت های مالی جزییات ارایه نشده است، اما تاکید شده که این حکم بر اساس درخواست کتبی برخی از اعضای شورای وزیران پیشین ترتیب داده شده است.

در همین حال، بر اساس این حکم مقام های ارشد دور نخست ریاست جمهوری که سمت های رسمی شان پایان یافته و در حال حاضر به وظیفه دولتی یا غیردولتی اشتغال ندارند، از معاش ماهوار حدود پنجاه درصد و مقام های ارشد دوره دوم ریاست جمهوری از معاش ماهوار حدود هشتاد درصد مستفید می شوند.

بر مبنای این حکم، اداره محافظت رجال برجسته مکلف ساخته شده که در راستای تامین امنیت مقام های یاد شده حداکثر چهار محافظ امنیتی در اختیار آنان قرار دهد و اداره امور و شورای وزیران نیز موظف شده که معاش ماهوار و مساعدت های مالی مقام های یاد شده را پرداخت کند.

همچنین، به وزارت صحت عامه دستور داده شده که خدمات صحی رایگان برای مقام های یاد شده ارایه کند و وزارت خارجه نیز در مورد تدارک پاسپورت سیاسی آنان مسوول شناخته شده است.

از سوی دیگر، در حکم یاد شده به برخی از شرط هایی نیز اشاره شده که در صورت عدم رعایت آن، حقوق مقام های یاد شده قطع می گردد: «حقوق و امتیازات مقام های مندرج این حکم در صورت فوت، اشتغال به وظایف دولتی یا غیردولتی، استفاده از حقوق تقاعد در داخل یا خارج از کشور، ترک تابعیت، اقامت متواتر بیش از نود روز در خارج از کشور و یا محرومیت از حقوق مدنی به حکم دادگاه با صلاحیت به صورت دایم قطع می گردد».

در پایان این حکم، امضای حامد کرزی رییس جمهوری پیشین وجود دارد.

با این حال، ناظر حسین رحیمی دستیار خاص پیشین و رییس دفتر کنونی حامد کرزی می گوید که حکم یاد شده بر اساس تقاضای کتبی برخی از اعضای شورای وزیران مورد تایید آقای کرزی قرار گرفته بود. رحیمی گفت: «این حکم صادر شده و در آن به معاش، پاسپورت سیاسی، محافظ، موثر مناسب و مسایل صحی ذکر شده بود؛ اما تاکنون عملی نشده است.

برای عملی شدن آن باید رییس جمهوری کنونی دوباره حکم کند. بر اساس گزارش هایی که پیش از این توسط برخی از رسانه ها به نشر رسیده بود، حامد کرزی تنها در دور دوم ریاست جمهوری، حدود ۶۰ وزیر مشاور و ۵۰ مشاور داشت. مشاوران ارشد و وزیر مشاوران حامد کرزی ماهانه پنج هزار دالر معاش می گیرند و در مجموع معاش و مصارف این

مشاوران، سالانه به بیش از چهار میلیون دالر می‌رسد. با این حساب، اکنون وزیران مشاور و مشاوران ارشد دوره نخست حامد کرزی که در حال حاضر «خانه‌نشین» هستند، ماهانه حدود پنجاه درصد معاش یعنی ۲۵۰۰ دالر و مشاوران دور دوم ریاست‌جمهوری کرزی حدود ۴ هزار دالر معاش دریافت می‌کنند. با آن‌که در حال حاضر حکم حامد کرزی، رییس‌جمهوری پیشین در مورد حقوق و امتیازات برخی از مقام‌های ارشد دولت پس از پایان کارشان اجرا می‌شود اما شماری از آگاهان امور حقوقی و نمایندگان مردم در مجلس نمایندگان حکم یادشده را در تضاد با قانون اساسی و سایر قوانین نافذی کشور می‌خوانند.

کرزی ، جنگ سالاران و پروسه خلع سلاح



تفنگداران با تکیه به نیروی نظامی خویش خواستار هرج و مرج و مرچ ، چور و چپا ول ، زورگویی و بی قانونی اند . آیا این به صلاح مردم است؟ . پروژه خلع سلاح و تضعیف جنگ سالاران را نه تنها کشورهای جهان ، جامعه مدنی و بلکه مردم نیز به شدت خواستار اند . مردم نه تنها خواستار خلع سلاح و حذف نیروهای جنگ سالار هستند، بلکه این راه را تنها راه اعاده امنیت در افغانستان می‌دانند.

دو هپ شيفر در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با اسيفن هارپر نخست وزير کانادا گفت ناتومی داند با کسانی که می‌خواهند روند بازسازی در کشور جنگزده افغانستان را متوقف کنند، چگونه برخورد کند. او گفت. پیام ما به اخلاگران، چه طالبان هستند، چه جنگسالاران و چه قاچاقچیان مواد مخدر قوی و محکم است: شما نمی‌توانید به هدف خود برسید، اگر لازم باشد، با شما قویاً برخورد خواهد شد. این اظهارات، اندکی پس از آن صورت گرفت که ده غیرنظامی، در اثر انفجار در یک موتر مسافری در قندهار کشته شدند. مسافران این بس، کارگران محلی بودند که در پایگاه نیروهای ائتلاف ضد تروریسم کاری کردند. طالبان مسئولیت این حمله را به عهده گرفته و گفته اند که آنها قبلاً به مردم هشدار داده بودند که برای نیروهای خارجی کار نکنند.

همزمان با اعزام هزاران سرباز تحت فرمان ناتو به جنوب افغانستان، برای کمک به دولت این کشور در تامین امنیت این مناطق که دولت کرزی کنترل کمی بر آنها داشته، موج خشونتها در این مناطق افزایش چشمگیری یافته است. تنها در ماه گذشته میلادی، حدود پنجمصد نفر در جریان خشونتها در نقاط مختلف افغانستان کشته شدند. همچنان مسئولین دي.دي.آر اعلام کرده بودند که ۱۲۵۰۰۰ نفر مسلح در ۱۸۰۰ گروه، سلاح بدست دارند. این ارقام نشان میدهد که پروسه ملکی سازی، خلاف فیصله های بن چقدر ناقص و بطی به پیش رفته است. موجودیت این مقدار سلاح به شانه جنگسالاران، مشروعیت دولت و پارلمان را بشدت زیر سوال می‌برد زیرا ناممکن است این گروه ها به نفع

افراد و تنظیم های خود اعمال نفوذ نکرده باشند. آیا مردم ما میتوانند احساس آرامش کنند، در صورتیکه مجموعه افراد مسلح در اردو و پولیس ملی به نصف تعداد سلاح داران (جنگسالاران) باشد.

برنامه خلع سلاح و ملکی سازی درکشور یکی از همان دسته مسایلی است که با وجود مساعی برخی از کشور ها بعد از گذشت مدت چهارسال نه تنها نافرجام باقی مانده، بلکه به همه ابعاد و جهات آن رسیدگی لازم صورت نگرفته است.

همانگونه که برخی از منابع بین المللی تصریح میدارند، پروسه کنونی دی.دی.آر به دلایل فراوانی، عرصه دشوار و جنجال آفرینی را درآینده، برای کشور به وجود خواهد آورد. با وجود آنکه مراجع مربوط دولتی به یاری کشور های کمک کننده و برنامه توسعه سازمان ملل متحد، کارهای معینی را انجام داده اند، اما این امر همه گروه های تفنگدارمسلح را شامل نشده ازیکسویی امنیتی درکشور کاهش نیافته ازسوی دیگر، برنامه ملکی سازی و جمع آوری سلاح، با کند بیهای فراوان و مقطعی روبرو گردیده است. ازین گذشته آنچه تاکنون انجام شده، به هیچوجه نتوانسته است در تأمین امنیت و کاهش قوتهای های مسلح درسراسر کشور سهم موثری را ایفا کند.

آنگونه که منابع بین المللی تاکید میدارند، برنامه خلع سلاح تمام تفنگداران را دربرنگرفته و قوماندانان درروستا های کشور، برای بقای قدرت خویش و برای حفظ زمینه سوء استفاده از جمله قاچاق مواد مخدره، قاچاق آثار باستانی، جنگلات و تصاحب دارایی های دولتی و شخصی بیشتر از هر وقت دیگر فعالتر به نظر میرسد.

آنچه بیش از همه قابل تأمل و اندیشه است اینست که، نه تنها در ریشه کن کردن سیستم و شیوه های قوماندانان سالاری و حاکمیت تفنگ کار موثری صورت نپذیرفته، بلکه بصورت مستقیم و غیرمستقیم در تقویه پایه های سیاسی و قدرت اقتصادی آنان موثریت روا داشته شده است. درحالیکه در اوضاع کنونی و در طی بیش از چهارسال این انتظار موجود بود که در عرصه های تأمین امنیت، بازسازی و قانونمداری، طرد فساد اداری و دولتی و سایر نابه سامانی ها کار های بزرگی انجام میشد اما این مامول ها تحقق نیافته باقی مانده و خواست ملت برای ایجاد یک دولت قوی و نیرومند و پاسدار قانون و تأمین کننده امنیت و ادامه دهنده بازسازی، تأمین کار و رفاه اجتماعی در حال بدل شدن به یأس تلقی میشود. افغانستان با این همه سلاح و سلاحدار به آتش زیر خاکستر می ماند که هر آن امکان دارد با کوچکترین بی احتیاطی این آتش زیر خاکستر شعله ور گردد و حضور نیروهای جنگ سالار در ادارات مهم امنیتی و سیاسی به این وضعیت بیشتر دامن زده است، اما آیا با مسامحه کاری و میدان دادن به نیروهای جنگ سالار تحت عنوان نیروهای مقاومت و مبارز می توان از این واقعه جلوگیری کرد یا نه؟ بلکه می توان بر دامنه این تهدید نیز افزود.

دهها هزار میل سلاح نزد گروه های مسلح وجود دارد که عامل نا امنی در کل کشور هستند. اگر سلاح جمع اوری شده باشد، پس اینهمه زورگویی، درگیری، قتل و جنایت چگونه اتفاق می افتند. همین حالا تنظیم های حزب گلبدین، جمعیت ربانی، شورای نظار، اتحاد سیاف، وحدت اکبری، وحدت محقق، حرکت های اسلامی و ... کاملاً مسلح بوده، والیان و قوماندانان امنیه تنظیمی هریک دهها میل سلاح در اختیار دارند. سرگروپها و بعضی از فرماندهان و مسوولان این تنظیم ها در دولت نیز شرکت داشته ولی سلاحکوت های خود را حفظ کرده اند. حال که در موجودیت نیروهای آیساف و ائتلاف بین المللی امکان درگیری های فرسایشی جبهوی بین گروه های مختلف و متخاصم وجود ندارد، گروه های مسلح صرف بخاطر کسب امتیاز و غارت دارایی های مردم به سلاح خفیف ضرورت دارند. سلاح های خفیف و مهمات را حفظ کرده، سلاح های دیگر چندان به درد شان نمی خورند.

از تمام سلاحکوت هایی که توسط نیروهای امنیتی داخلی و خارجی تا حال کشف شده، در آن ها نه سلاح سبک و نه مهمات شان وجود داشته، که این خود نشان می دهد سلاح های سبک تهدید کننده اصلی امنیت کشور بوده، همچنان در دست تنظیم ها و گروه های مسلح باقیمانده است.

سلاحکوت های قسیم فهیم و بسم الله محمدی در پنجشیر، امان الله گذر و قسیم جنگل باغ در کوه دامن، بصیر سالنگی در پروان، انواع گوناگون سلام و مهمات تورن اسماعیل در هرات، سید حسام الدین و دارودسته اش در دوشی، سلاح های قوماندانان فرید در کوه بند کوهستان، هزاران میل سلاح قومندانان پنجشیر، سلاح های عارف داور در شهرستان، هزاران میل سلاح عطا در مزار، سلاح های علیار و ابودر در بامیان، سلاح های ظاهر قدیر و قوماندان حضرت علی در ننگرهار و لغمان، اسلحه ۱۵۹ نفر از قوماندان حزب اسلامی، سلاح های ملاشیر محمد و عبدالرحمن جان، شیر علم و سیاف و ... گل آقای شیرزی از قندهار را چه وقت جمع اوری کردند؟

سوال اینجاست آیا همین قوماندانانی که در قعطات نظامی به پروسه ی دی دی آر پیوستند، ۲۰ در صد سلاح خود را تحویل داده اند؟ آیا ۸۰ در صد آنها را برای روز مبادا نگهداری نکرده اند و آیا با همین سلاحها همین امروز غارت و چپاول نمی کنند؟ انتقال این مقدار مواد مخدر به خارج از کشور، درگیری ها، راه گیری ها، اختطاف ها و قتل در شهرها حتی در پایتخت با کدام سلاح صورت می گیرند؟ قوماندانان نذیردروزمی مجددی بدخشان، قومندان عطا در مزار ، حضرت علی و حاجی دین محمد ، ملاشیرمحمد و عبدالرحمن جان در هلمند، قاضی کبیر و بشیر چاه آبی در تخار، مطلب بیگ و پیرام قل در کندز، قومندان سلام در غور، ، امان الله در شیندند، افراد اسماعیل خان در هرات ، انجنیر غفار در ننگرهار، کشمیر در کنرها و ... خلع سلاح شده اند؟ در جریان سه دهه جنگ بیشتر از یک و نیم میلیون میل سلاح خفیف از چار طرف وارد افغانستان شده است که از آن جمله تا حال ۲۴ هزار میل آن جمع آوری گردیده.

اگر ۲۰ در صد آن زیر خاک پوسیده باشد، باز هم حدود یک میلیون میل سلاح در دست سرگروپها و اشخاص منفرد باقیمانده است، و این در حالی است که ورود سلاح از پاکستان توسط طالبان و حزب اسلامی کماکان ادامه داشته هر روز بر انبار سلاح و مهمات در کشور ما افزوده می گردد. جامعه جهانی اگر مایل است که در مجموع سلاح از افغانستان جمع آوری گردد، باید سلاح قوماندانان و سرگروپ ها را از دست شان خارج سازد. در غیر آن ادعای شان مبنی بر خلع سلاح در افغانستان، خیالی و دروغ بیش نیست. امنیت یکی از همان اصطلاحات و اسمای بی مسامی است که از زبان مسوولین دولتی و تریبونها و بلند گوها در دا خل و خارج کشور به مود روز و مود سال بدل گردیده ، اما واقعیت خلاف آن است که می بینیم، می شنویم و احساس می کنیم.

زورگویی ها بی کفایتی مسوولین بلندپایه دولتی استخدام اشخاص مفسد در رده های بلند دولتی غارت کمک های جامعه جهانی غارت بیت المال از سوی برخی وزیران، قوماندانان جهادی جنگسالار، والیان ، ولسوالان و دیگر افراد در ولایات کشور جریان دارد . کرزی و بیاران تفنگدارش در این چند سال تا جایی که توانستند به قانون شکنی روی آورد و تا توانستند با دموکراسی ، آزادی عقیده و بیان در کشور مقابله کرد و نقض حقوق بشر را گسترش دادند. عقب نشینی از برنامه ی عدالت انتقالی، تقلب در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی، افزایش سانسور رسانه ها و خبرنگاران، گسترش قدرت جنایتکاران و حمایت قاطع از آنان، همه و همه نشان از این است که این رژیم به هیچ وجه با دموکراسی ، حقوق بشر، مردمسالاری و عدالت اجتماعی اعتقادی ندارند. در اداره کرزی روز بروز بر تعداد جرم و جنایت افزود میگردد. چرا جرم و جنایت صد برابر شد ؟ در روز روشن غارت مسلحانه ، قاچاق اجبار قیمتی ، کودک ربایی ، اختطاف کارمندان بین المللی، ترورهای سیاسی ، غارت کمک های بازسازی ، رشد عقاید منفور بنیادگرایی، زندانی ساختن زنان و رشد فعالیت های روز افزون سرویس های جاسوسی خارجی و بخصوص همسایگان ، رشد تولید و قاچاق مواد مخدر همه و همه کاریست که بشکل از اشکال تفنگداران ، زورگویان و قانون شکنان سهیم اند.

جنایتکاران جنگی افغانستان که جنایات و قساوت شان به مراتب نسبت به جنایتکاران بوسنی موحش تر و حیوانی تر است، همه طی دهسال گذشته بوسیله ملل متحد، امریکا و متحدانش در قدرت نصب شدند و بالاترین پست های دولتی برایشان داده شد و دست شان در هر جنایت و چپاول و فساد باز گذاشته شده است. به این هم اکتفا نکرده، به مرده هایشان لقب داده شد و به زنده ها اجازه داده شد که جنایات خود را ببخشند و برای فرار از هرگونه بازپرسی قانون خاینانه عفو بسازند. و حال به آنانی که بیرون از دایره قدرت مانده اند رشوه پیشکش میکنند که به اداره فاسد، مافیایی و پوشالی بپیوندند و مثل دیگر جانیان از نعمت های موجود بهره برند.

به دلیل این خیانت نابخشودنی غرب نسبت به مردم و وطن ماست که با وجود ده سال جنگ، کشتار دهها هزار هموطن بیگناه ما، بربادی و مصرف صدها میلیارد دالر هنوز هم وضعیت افغانستان از بد بسوی بدتر شدن روان است . بدون محاکمه جنایتکاران و تامین عدالت، افغانستان هرگز روی صلح، ثبات، آزادی و دموکراسی را نخواهد دید. و تا زمانی که مردم افغانستان خود برای عدالت و آزادی تلاش و پیکار نمایند، کسی این ارزشها را به آنان هدیه نخواهد کرد و وضعیت به همین منوال ادامه خواهد یافت.

تعدد و تداوم اختطاف ها، سرقت ها ، قتلها ، انفجارات و انواع بی امنی ها در کشور واقعیت تلخی است که از سپیده دم دولت موقت آغاز شده، در دولت انتقالی تشدید و در دولت انتخابی به اوج خود رسیده است . در افغانستان بسیاری از

فرمانداران محلی و ولایتی هم از اردو، پولیس و افسران امنیتی قبلاً فرماندهان جناح های مختلفی بوده اند که برای سرنگونی طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ در جبهه ای واحد به آمریکا کمک می کردند.